

بیکاری و رشد اقتصادی

ندا مصطفوی

مقدمه

در سال‌های اخیر در اقتصاد ایران شاهد شرایطی بوده‌ایم که در آن همزمان با افزایش رشد

اقتصادی، نرخ بیکاری نیز افزایش یافته یا کاهش رشد تولید، با کاهش نرخ بیکاری همراه بوده است. در اقتصاد کلان از دیرباز بر اساس قانونی به نام قانون اوکان^۱، ارتباط منفی بین دو متغیر مهم رشد اقتصادی و نرخ بیکاری پذیرفته شده است. به همین دلیل، تغییر همجهت این دو شاخص مهم اقتصادی مورد توجه برخی صاحب‌نظران اقتصادی است.

در این نوشتار به بررسی دلایل ارائه شده در خصوص ارتباط همجهت رشد اقتصادی و نرخ بیکاری می‌پردازیم. با این که مقاله‌های بررسی شده درباره‌ی اقتصاد امریکا است، دلایل ارائه شده در خصوص عدم تبعیت این دو شاخص از قانون اوکان، در اقتصاد ایران نیز مصداق دارد.

نرخ بیکاری و رشد اقتصادی در ایران

در جدول و نمودار ۱، رشد اقتصادی و نرخ بیکاری در اقتصاد ایران در فاصله‌ی سال‌های ۱۳۷۶ و ۱۳۹۲ نشان داده شده است. مشاهده می‌شود که بیش‌ترین نرخ بیکاری در این بازه‌ی زمانی در سال ۱۳۷۹ و برابر با ۱۴٫۳ درصد است. در سال‌های پایانی دهه‌ی هفتاد با وجود زیاد بودن نرخ رشد اقتصادی، اقتصاد، نرخ بیکاری زیادی را نیز تجربه می‌کند. در سال‌های اخیر نیز مشاهده می‌شود با وجود این که در سال

ندا مصطفوی کارشناس آمارهای اقتصادی، دفتر جمعیت، نیروی کار و سرشماری مرکز آمار ایران است.

۱۳۸۹ رشد اقتصادی نسبتاً زیاد و در حدود ۶٫۶ درصد است، بیکاری نیز در این سال به ۱۳٫۵ درصد رسیده که بیش‌ترین میزان از سال ۱۳۸۳ به این سو است. بنا بر این، دقیقاً در سال‌هایی که نرخ رشد

جدول ۱- نرخ رشد اقتصادی و نرخ بیکاری ایران در سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۹۲

سال	نرخ رشد اقتصادی (%)	نرخ بیکاری (%)
۱۳۷۶	-۰٫۱۶	۱۳٫۱
۱۳۷۷	۴٫۳	۱۲٫۵
۱۳۷۸	۲٫۰۳	۱۳٫۵
۱۳۷۹	۷٫۴۳	۱۴٫۳
۱۳۸۰	۵٫۴۸	۱۴٫۲
۱۳۸۱	۸٫۷۵	۱۲٫۸
۱۳۸۲	۷٫۹۲	۱۱٫۸
۱۳۸۳	۶٫۹۶	۱۰٫۳
۱۳۸۴	۶٫۱۹	۱۱٫۵
۱۳۸۵	۷٫۳۲	۱۱٫۳
۱۳۸۶	۷٫۸۴	۱۰٫۵
۱۳۸۷	۰٫۸۳	۱۰٫۴
۱۳۸۸	۳٫۱۶	۱۱٫۹
۱۳۸۹	۶٫۵۹	۱۳٫۵
۱۳۹۰	۳٫۰۲	۱۲٫۳
۱۳۹۱	-۵٫۴	۱۲٫۱
۱۳۹۲	-۲٫۲	۱۰٫۴

جدول ۲- نرخ رشد اقتصادی و نرخ بیکاری آمریکا در سال‌های ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۲

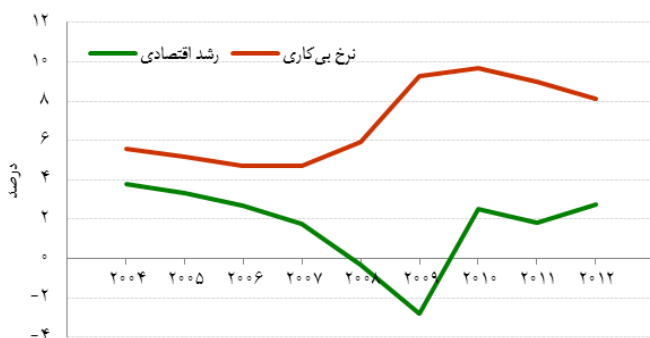
سال	نرخ رشد اقتصادی (%)	نرخ بیکاری (%)
۲۰۰۴	۳٫۸	۵٫۶
۲۰۰۵	۳٫۳۵	۵٫۲
۲۰۰۶	۲٫۶۷	۴٫۷
۲۰۰۷	۱٫۷۹	۴٫۷
۲۰۰۸	-۰٫۲۹	۵٫۹
۲۰۰۹	-۲٫۸	۹٫۳
۲۰۱۰	۲٫۵۱	۹٫۷
۲۰۱۱	۱٫۸۵	۹
۲۰۱۲	۲٫۷۸	۸٫۱

مأخذ: وبگاه بانک جهانی

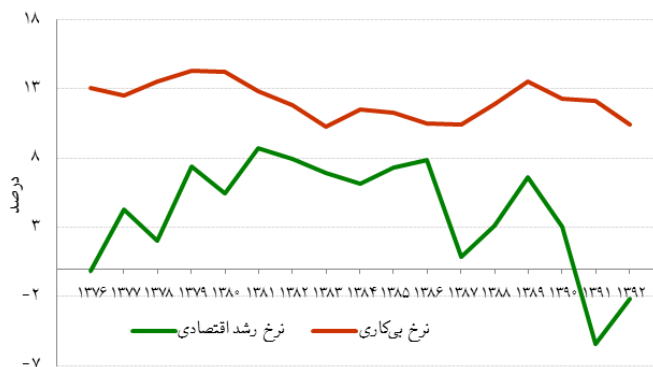
بیکاری ندارد. بر عکس، تغییرات کوتاه‌مدت GDP با بهره‌وری نیروی کار در اقتصاد همبستگی بسیار زیادی دارد. کاهش در تولید کالاها و خدمات که در دوره‌های رکود رخ می‌دهد، همیشه با افزایش در بیکاری همراه است.»

وی همچنین بیان می‌کند: «سایر بازارهای مربوط به اشتغال نیز وضعیت مشابهی دارند. به‌عنوان مثال، اشتغال پست‌های خالی و بلا تصدی در دوره‌ی رکود کاهش داشته است. زمانی که اقتصاد وارد دوره‌ی کساد و رکود خود می‌شود تأمین شغل نیز سخت‌تر می‌شود.» وی در توضیح چرایی این رابطه نیز توضیح می‌دهد: «از آن‌جا که کارگران شاغل در تولید کالاها و خدمات نقش دارند و کارگران بیکار هیچ نقشی ندارند، افزایش در نرخ بیکاری با کاهش GDP حقیقی همراه است.»

مشاهده می‌شود که وجود رابطه‌ی منفی بین نرخ بیکاری و رشد GDP در کوتاه‌مدت بدون هیچ استثنایی پذیرفته شده است. حال، پرسشی که مطرح می‌شود این است که آیا هم‌جهت بودن نرخ بیکاری و رشد اقتصادی، تنها در اقتصاد ایران مشاهده شده است؟ و در صورت مشاهده‌ی چنین شرایطی در دیگر کشورها تحلیل چرایی رخ دادن این



شکل ۲- نرخ رشد اقتصادی و نرخ بیکاری آمریکا در دوره‌ی ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۲



شکل ۱- نرخ رشد اقتصادی و نرخ بیکاری ایران در دوره‌ی ۱۳۷۶ تا ۱۳۹۲

اقتصادی زیاد بوده، بیکاری زیادی نیز در کشور گزارش شده است. یکی دیگر از ویژگی‌های مشاهده‌شده در این نمودار، نوسانات زیاد نرخ رشد اقتصادی است. رشد تولید ناخالص داخلی، به‌خصوص در سال‌های انتهایی دهه‌ی هفتاد و همچنین از سال ۱۳۸۶ تا کنون با نوسانات بسیاری همراه بوده است.

◎ قانون اوکان

رابطه‌ی منفی بین نرخ بیکاری و نرخ رشد تولید ناخالص داخلی^۲ (GDP) قانون اوکان نام دارد که اولین بار در سال ۱۹۶۲ و پس از مطالعات آرتور اوکان به نام او معروف شد. قانون اوکان، یک قانون تجربی است که رشد محصول حقیقی را به تغییرات نرخ بیکاری منتسب می‌کند. در واقع این قانون به‌طور ضمنی به رابطه‌ی منفی بین نرخ بیکاری و رشد اقتصادی اشاره دارد. نسخه‌ی اولیه‌ی این قانون ۲ یا ۳ درصد کاهش در رشد تولید ناخالص داخلی را با ۱ درصد افزایش نرخ بیکاری مرتبط می‌داند.

در منابع اقتصاد کلان نیز به‌کرات به این قانون اشاره شده است. به‌عنوان مثال، گریگوری منکیو در کتاب اقتصاد کلان خود (منکیو، ۱۹۹۲) از این قانون نام برده و با استفاده از آمارهای نیروی کار و رشد اقتصادی ایالات متحده آمریکا در فاصله‌ی سال‌های ۱۹۷۰ و ۲۰۰۵ رابطه‌ی بین این دو شاخص مهم اقتصادی را نشان داده است. منکیو همچنین در توضیح ادوار تجاری، علاوه بر استفاده از آمارهای مربوط به حساب‌های ملی، از نمودار بیکاری استفاده کرده است. در این کتاب به وجود رابطه‌ی بین تغییرات تولید و نرخ بیکاری در کوتاه‌مدت اشاره شده است: «رشد بلندمدت GDP در درجه‌ی نخست، تحت تأثیر پیشرفت‌های مربوط به فناوری است. روند رشد بلندمدت، سطح زندگی یک نسل را نسبت به نسل‌های قبلی بالاتر می‌برد که به هیچ وجه ارتباطی با روند بلندمدت نرخ

وضعیت چیست؟

تغییر پویایی روابط در اقتصاد، دومین ابزار برای توضیح تفاوت بین همبستگی نرخ بیکاری و رشد اقتصادی در طول زمان است.

اقتصاد آمریکا در دوره‌ی پس از رکود ۱۹۹۰-۱۹۹۱ و ۲۰۰۱ با پدیده‌ای جدید به نام «بهبود بیکاری»^۴ مواجه است. بهبود بیکاری به دوره‌هایی پس از پایان رکود اطلاق می‌شود که تولید افزایش دارد، اما اشتغال رشد نمی‌کند. ظهور این پدیده می‌تواند نشانه‌ای از تغییر بنیادین در زمان‌بندی رابطه‌ی بین رشد محصول و بازار کار باشد که نسخه‌ی ساده‌ی قانون اوکان آن را نشان نمی‌دهد.^۵

این مطالعه با فرض گفته‌شده، به این نتیجه می‌رسد که ضعیف شدن رابطه‌ی فعلی بین محصول و بیکاری با رابطه‌ی قوی‌تر بین رشد محصول در گذشته و بیکاری در زمان حال، همزمان شده است. این نتیجه با نسخه‌های دیگر قانون اوکان که محدودیت کمتری در زمینه‌ی این رابطه‌ی پویا دارند، همخوانی بیشتری دارد.

توضیحی دیگر که در برخی از این یادداشت‌ها به آن اشاره شده است عدم اخراج کارگران یا کارکنان به محض وقوع رکود اقتصادی است. در مقاله‌ای با عنوان «رشد اقتصادی و نرخ بیکاری»^۶ که توسط لیندا لوین، کارشناس اقتصاد نیروی کار در سال ۲۰۱۳ تهیه و توسط سرویس تحقیقاتی کنگره^۵ منتشر شده است، بالا بودن نرخ بیکاری پس از گذر از رکود اخیر و علی‌رغم بهبود رشد اقتصادی مورد توجه است. لوین در توضیح رابطه‌ی این دو متغیر می‌نویسد:

«در کوتاه‌مدت، رابطه‌ی بین رشد اقتصادی و نرخ بیکاری می‌تواند رابطه‌ای بی‌قاعده باشد. ادامه‌ی کاهش نرخ بیکاری، زمانی که سایر متغیرهای فعالیت اقتصادی مثبت شده‌اند چندان غیر معمول نیست. این موضوع به‌طور معمول به وقفه‌ی شاخص‌های اقتصادی ارجاع داده می‌شود. یک دلیل برای عدم کاهش محسوس بیکاری زمانی که رشد اقتصادی به دنبال پایان رکود افزایش می‌یابد، این است که برخی بنگاه‌ها در دوران رکود از همه‌ی کارکنان فهرست‌شده در فرم پرداخت

به‌منظور پاسخ به این پرسش‌ها در ابتدا آمار برخی کشورها در این خصوص بررسی شده است. مشاهده می‌شود که هم‌جهت بودن نرخ بیکاری و رشد اقتصادی و به‌عبارتی عدم تبعیت از قانون اوکان در اقتصاد برخی دیگر کشورها، از جمله آمریکا و کانادا و ترکیه نیز وجود دارد. با توجه به وجود مقاله‌ها و گزارش‌های مفصل تهیه‌شده توسط اقتصاددانان فدرال رزور و کارشناسان نیروی کار آمریکا، از بین اقتصادهایی که چنین ارتباطی در آن‌ها مشاهده شده است بر اقتصاد آمریکا متمرکز شده‌ام.^۳

◎ شواهدی از اقتصاد آمریکا

همان‌گونه که در شکل ۲ مشاهده می‌شود، در سال‌های ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۶ روند نرخ بیکاری و نرخ رشد اقتصادی در آمریکا هم‌جهت است. هم‌چنین در دوره‌ی پس از رکود اخیر نیز با وجود بهبود وضع اقتصادی و افزایش تولید، نرخ بیکاری همچنان زیاد بوده است. در شکل ۲ مشاهده می‌شود که پس از پایان رکود در سال ۲۰۰۹ و افزایش رشد اقتصادی از ۲/۸- درصد به ۲/۵ درصد در سال ۲۰۱۰، نرخ بیکاری همچنان افزایش یافته و به بیش‌ترین میزان آن (۹/۷ درصد) طی دوره‌ی رکود و پس از آن رسیده است. تحلیل‌های ارائه‌شده درباره‌ی این وضعیت به ناپایداری قانون اوکان در طول زمان و همچنین صادق نبودن آن در کوتاه‌مدت اشاره می‌کنند.

درخصوص ناپایداری رابطه در طول زمان می‌توان به مقاله‌ی «قانون اوکان چه میزان سودمند است؟» (نوتک، ۲۰۰۷) اشاره کرد که توسط ادوارد نوتک اقتصاددان در بانک فدرال رزور شهر کانتزاس نوشته شده است. وی پس از مشاهده‌ی انحراف از قانون اوکان در سال ۲۰۰۶ در پی یافتن پاسخ این پرسش است که آیا قانون اوکان قانونی قابل اعتماد و پایدار است؟ پاسخی که این مقاله به آن دست یافته عبارت‌اند از **به شرح زیر است:**

«قانون اوکان یک رابطه‌ی قوی و محکم نیست. استثناهای زیادی در قانون اوکان وجود دارد؛ همچنین شواهدی که نشان می‌دهد کاهش رشد با افزایش بیکاری همزمان نیست.»

این مقاله خاطر نشان می‌کند که قانون اوکان، بر خلاف مفهوم ضمنی کلمه‌ی «قانون»، تنها یک قاعده‌ی کلی است، نه یک ویژگی ساختاری در اقتصاد.^۷ این مقاله دو دلیل در خصوص پایدار نبودن قانون اوکان در طول زمان آورده است. «دلیل اول بخشی از انحراف را به وضعیت چرخه‌های تجاری و متفاوت بودن رابطه‌ی بین سطح تولید و بیکاری در دوره‌های رکود و رونق مربوط می‌کند.»



صنعت و کاهش تعداد شاغلان در این بخش آمده است: «اشتغال رسمی بخش صنعت در ایران بسیار انعطاف‌ناپذیر است و سریعاً به نوسانات محصول واکنش نشان نمی‌دهد. در طول دوره رکود، کارفرمایان احتمالاً با میزان ساعت کار کمتر، کارگران خود را حفظ می‌کنند و از آن‌ها برای افزایش محصول در زمان مناسب استفاده می‌کنند».

با توجه به ماهیت انحصاری (دولتی بودن) بیشتر صنایع بزرگ در ایران، از جمله صنایع خودروسازی و پتروشیمی که اتفاقاً بیش‌ترین صدمه را از تحریم‌ها دیده‌اند، معمولاً عوامل اقتصادی از جمله ضرردهی و سوددهی، در اخراج یا استخدام کارکنان بی‌تأثیر است، که این موضوع تأییدی بر درستی اظهارات بالا است.

واضح است که ارائه‌ی تحلیل دقیق‌تر در این خصوص، نیازمند بررسی آمارهای نیروی کار و رشد اقتصادی و البته تحلیل ساختار بازار کار در ایران است، که فرصت بیش‌تری می‌طلبد.

توضیحات

^۱ Okun's law

^۲ gross domestic production

^۳ فایل‌های مربوط به سایر کشورها، تهیه‌شده از سایت بانک جهانی، نزد نویسنده موجود است.

^۴ jobless recoveries

^۵ congressional research service

مرجع‌ها

منکیو، گریگوری (۱۳۹۱). اقتصاد کلان. حمیدرضا ارباب (مترجم). تهران: نشر نی (انتشار اثر اصلی در ۱۹۹۲ میلادی).

Knotek, E. S. (2007). How useful is Okun's law? *Economic Review*, (Q IV), 73-103.

Levine, L. (2012). Economic growth and the unemployment rate.

Owyang, M. T., & Sekhposyan, T. (2012). Okun's law over the business cycle: was the great recession all that different? *Federal Reserve Bank of St. Louis Review*, 94 (September/October 2012).

Salehi-Isfahani, J. (2014, July 24). What do job numbers say about economic recovery in Iran? [from http://djavadsalehi.com](http://djavadsalehi.com)

حقوق خود استفاده نمی‌کنند؛ زیرا اخراج کارکنان زمانی که تقاضای محصول کاهش می‌یابد و استخدام دوباره‌ی آن‌ها در زمان افزایش تقاضای محصول دارای هزینه است. بنا بر این، کارفرمایان می‌توانند بدون استخدام نیروی جدید و با افزایش بهره‌وری نیروهای موجود، در پاسخ به تقاضای فزاینده در دوره رونق، محصول خود را افزایش دهند. این موضوع به صورت موقت، بهره‌وری نیروی کار را بیش‌تر از روند آن در بلندمدت افزایش می‌دهد.

زمانی که نیروی کار، بهره‌وری کامل دارد، محصول نمی‌تواند با سرعتی بالاتر از رشد بهره‌وری افزایش یابد، مگر این که بنگاه‌ها اقدام به استخدام نیرو کنند. به محض ادامه‌ی دوران رونق اقتصادی، رشد محصول به وسیله‌ی نرخ ترکیبی عرضه‌ی نیروی کار و بهره‌وری نیروی کار مشخص می‌شود. با بالاتر رفتن رشد واقعی تولید ناخالص داخلی از رشد بهره‌وری نیروی کار، اشتغال افزایش خواهد یافت. اگر رشد اشتغال، سریع‌تر از رشد نیروی کار باشد، نرخ بیکاری کاهش خواهد یافت.

در دوره‌ی زمانی گسترده‌تر، رابطه‌ی منفی بین تغییرات نرخ تولید ناخالص حقیقی و بیکاری برقرار است.»

در واقع منطق انعطاف‌ناپذیری بنگاه‌ها نسبت به اخراج کارکنان به محض وقوع رکود اقتصادی و همچنین عدم استخدام نیروی جدید بلافاصله پس از حادث شدن رونق اقتصادی، منطق قابل قبولی به نظر می‌رسد. این رفتار بنگاه می‌تواند توضیحی بر تأثیر باوقفه‌ی وضع اقتصادی بر نرخ بیکاری باشد.

در مقاله‌ای که توسط مایکل اوپانگ، پژوهشگر و اقتصاددان بانک فدرال رزرو سنت لوئیز و تاویک سخپوسیان، تحلیل‌گر ارشد بانک کانادا در سال ۲۰۱۲ منتشر شده است، نویسندگان با اشاره به ناپایداری در عملکرد تاریخی قانون اوکان، به تأثیر رکود بر نرخ بیکاری و افزایش متوسط آن دست یافته‌اند (اوپانگ و سخپوسیان، ۲۰۱۲).

نتیجه‌گیری

به نظر می‌رسد مجموعه‌ی دلایل ارائه‌شده در خصوص عدم تبعیت نرخ بیکاری و رشد اقتصادی از قانون اوکان در دوره‌های بسیار کوتاه‌مدت در اقتصاد آمریکا، برای اقتصاد ایران نیز قابل قبول باشد. در تحلیل‌هایی که در خصوص اقتصاد ایران صورت گرفته، مانند یادداشت جواد صالحی اصفهانی در وب‌گاه وی با عنوان «آنچه آمارهای نیروی کار در رابطه با بهبود اقتصادی به ما می‌گوید» نیز به این موضوع اشاره شده است. در این یادداشت در توضیح افزایش رشد محصول در بخش